

متن پرسش

با سلام و عرض ادب خدمت استاد بزرگوار: در گفتارهای اخیرتان راجع به معنای درک حضوری واقعه عاشورا نکته ی را متذکر شدید که وقتی متوکل عباسی در آن زمان آرامگاه امام حسین (ع) را ویران ساخت از حقیقتی هراس داشت که پشت واقعه کربلا نهفته است و این ترس و هراس در زمان ما هم در دل زمامداران جهان غرب هم به وضوح حس می‌شود. چنانچه در جریان اخبار باشید در آلمان اخیراً اتفاقی در مورد مساجد شیعه وابسته به حکومت ایران افتاد که شاید بی سابقه است و آن بستن این مساجد از طرف پلیس آلمان بود. این در حالی اتفاق می افتد که در این مساجد کوچکترین اظهار نظری راجع به مسائل سیاسی روز مثل کودک کشی و ظلم در غزه و یا پیوند زدن قیام امام حسین و واقعه عاشورا با وقایع روز صورت نمی گیرد و به خاطر بهانه ندادن به دست دولت آلمان، بر منابر این مساجد از هر گونه موضع گیری یا مطرح کردن مسائل سیاسی امتناع می شود چه رسد به محکوم کردن و یا اعلام برائت از ظالمان زمانه و شعار علیه استکبار. ولی با وجود این آفیت طلبی ها یا شاید بهتر بگویم مصلحت اندیشی ها این مساجد به زور پلیس بسته و فعالیت آنها ممنوع اعلام می‌شود؛ مساجدی که در آنها غیر از نماز و دعا که در مساجد دیگر هم برگزار می‌شود مضاف بر آن فقط برگزارشدن عزاداری برای امام حسین و اهل بیت پرشور برگزار می‌شود و کمی تاریخ اسلام بر سر منابر تبیین می‌شود و غیر از اینها هیچگونه فعالیت سیاسی انجام نمی‌شود. استاد گرامی این ترس غرب از شیعه تحریف نشده از چیست؟ آیا این ترس و هراس غرب از مساجد شیعه از نوع همان ترس متوکل عباسی نیست؟ آیا این جریان بسته شدن مساجد حاکی از این نیست که ترس و وحشت اصلی غرب از شناخت راه و مکتب امام حسین است و حقیقتی که باخبر شدن آزادگان جهان از آن پایه های استکبار را می‌لرزاند و درهم می‌کوباند؟ به نظر این حقیر این جریان می تواند عبرتی هم باشد برای برخی از روشنفکران سکولار ساده لوح ما که فکر می‌کنند اگر سیاست از دین جدا شد، غرب با دینداری مردم کاری ندارد و می‌توان درست دینداری کرد در حالی که ما شاهد آن هستیم که مشکل اصلی جهان غرب با شناخت درست مکتب امام حسین، شناخت درست سیره اولیاء الهی و کلا شناخت اسلام تحریف نشده است که از شواهد مهم دیگر آن سانسور و حذف خبری پیاده‌روی اربعین در سرتاسر رسانه های غربی ست! و این در حالیست که از مناسک بی اهمیت مذاهب دیگر مثل هندوئیسم و یا بودیسم که برای استکبار جهانی بی خطر است همیشه در رسانه های اصلی اخبار یا گزارش تهیه و پخش می‌شود!

باسمه تعالی: سلام علیکم: حقیقتاً نظر به حضرت اباعبدالله «علیه السلام» به هر بهانه‌ای و در هر مجلسی اگر درست نظر شود، جان همه انسان‌ها آن حضور را که حضور حق در مقابل باطل است، می‌شناسد زیرا به یک معنا حضرت اباعبدالله «علیه السلام» نماد اصیل‌ترین وجدان و فطرت انسانی می‌باشند و در همین رابطه باید مطمئن باشید از آن جایی که ذات انسان نسبتی با وجود دارد، در واقع می‌توان گفت ذات انسان‌های اندیشمند که متوجه نسبت خود با «وجود» هستند، محل اراده الهی است، یعنی انسان‌های اندیشمندی که به حکم تجلیات الهی نظر به آینده دارند، به همان معنای انتظار به آینده‌ای که منشأ تحولات در افق تفکر است. و از این جهت آن تحولات به آرامی آغاز می‌شود زیرا مربوط به ذات انسان است و آمادگی‌هایی که باید در او به وجود آید که از یک جهت رفتن به سوی سرآغاز و ریشه‌ها است. در این فرآیند، مهم‌ترین حضور پیش می‌آید، حضوری که در آن، سرآغاز موجود است در عین مستوربودن، و انسان می‌تواند متذکر آن باشد و البته در چنین حضوری هر انسانی در این مسیر قرار گیرد متوجه حقیقت خود می‌شود، به همان صورتی که حضرت اباعبدالله «علیه السلام» با تذکر به «أسیر بسیرة جدی و ابي» بدان ورود کردند. به طوری که مردم متوجه شدند تاریخی که با اسلام از طریق پیامبر خدا «صلوات الله علیه و آله» آغاز شد با حجابی که جریان اموی ایجاد کرد، هنوز آن اسلام چه اندازه به آن‌ها نزدیک است و آن‌ها چه اندازه از آن اسلام دور افتاده بودند و این مربوط به حقیقتی است که در هر تاریخ توحیدی پیش می‌آید و امام حسین «علیه السلام» کاری کردند که مردم نزدیکی خود به اسلام را در جان خود تجربه کردند که همان تجربه قرب و نزدیکی به خداوند است. و بخواهیم و نخواهیم تاریخی این‌چنین شروع شده است. موفق باشید